



امین ابراهیمی، کارگردان نمایش «قل حصار» در گفت‌وگو با «ایران»:

این تئاتر حرف طبقه محروم را می‌زند

نوشته سید حسین رسولی

نمایش «قل حصار» به نویسندگی و کارگردانی امین ابراهیمی در سی‌وهشتمین جشنواره تئاتر فجر حضور دارد. این کارگردان تئاتر از هنرمندان موفق لرستان است. اودغدغه اجتماعی دارد و سال‌ها می‌شود که در جشنواره‌های مختلف شرکت می‌کند و دست پر به خانه می‌رود ولی می‌گوید که در تهران به او اجرای عموم نمی‌دهند چون معروف نیست و باز یگر چهره ندارد. امین ابراهیمی با نمایش‌هایی چون «خانه مادری» در تئاتر لرستان موفق بوده است و پیش از این نیز توانسته با نمایش «ترانه‌ای برای تو» در سی‌وچهارمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر جایزه اصلی را بگیرد. ابراهیمی که متولد کوه‌دشت است، در سال ۸۶ نمایش «خون و لجن» را در جشنواره تئاتر فجر به صحنه برده بود و با گروه نمایش «ترانه‌ای برای تو» در سال ۱۳۹۴ کاندیدای ۵ جایزه بخش بین‌الملل جشنواره تئاتر فجر شدند. آنچه می‌خوانید گفت‌وگوی مابا امین ابراهیمی، هنرمند کوه‌دشتی است.

درباره متن و اجرای نمایش «قل حصار» بگویید.

من به شهرستان بازگشتم و قرار بود تا ۳ ماه بمانم ولی الان ۸ سالی است که در آنجا زندگی می‌کنم. شرایط مالی خیلی سخت است و ازدواج هم کردم. من یکسری پیشنهاد کاری هم داشتم ولی نمی‌شد زن و بچه را دو ماه تنها گذاشت. صادقانه اینکه خیلی از آدم‌های سمت ما به تهران آمدند ولی دچار مشکلاتی شدند. بسیاری از آنها در ناهنجاری‌ها و بزه‌های اجتماعی گرفتار شدند. یکی خاطره‌ای از اقوام خودش را تعریف کرد و من هم آن را دستمایه این نمایش‌نامه قرار دادم. او می‌گفت یکی از آشنایان‌شان به آخر خط می‌رسد و

از نظر اقتصادی به چنان وضعیتی گرفتار می‌شود که تصمیم به سرقت می‌گیرد. حرکت این آدم خیلی ساده‌انگارانه بوده است چون تمام راه‌ها را رفته بود و تنها می‌خواست زنده بماند. اواز همه پولی قرض گرفته بود و تا آنجا که توانسته بود کارگری کرده بود ولی زندگی‌اش به جایی رسید که دست به دزدی زد. با خودش فکر کرده بود که فو‌قش زندانی می‌شود. این آدم در فکر خودکشی بود. این داستان در ذهنم مانده بود. من داستان را ماه‌ها در ذهنم بررسی می‌کنم و در نهایت در طول یک ماه آن را پیاده می‌کنم. ابتدا به سمت و سوی فرم و فرمالیسم رفتم ولی بعد به این نتیجه رسیدم که باید رئالیستی پیش بروم چون حرفی اجتماعی می‌زدم. امکانات مالی و اقتصادی در اینجا برایم سخت شد. هر روز من و یکی از بازیگران نمایش باید بیشتر از ۱۳۰ کیلومتر راه می‌رفتیم تا به شهر خرم‌آباد برسیم و تمرین خودمان را انجام بدهیم. بعد با بازیگر دیگری این کار را تکرار می‌کردم. شهر ما سالن ندارد و محل تمرین هم که نیست. دوماه و نیم این مسیر را هر روز رفتیم. کوه‌دشت هیچ امکاناتی ندارد. خرم‌آباد سالن دارد. من هر سال در فجر شرکت می‌کردم و در بخش استانی کار اول شدیم. کلاً هیچ اجرای درست و حسابی هم نداشتیم چون نور سالن خرم‌آباد خراب بود. من به تمرین کوتاه اعتقادی ندارم. هیچ پولی هم کسی به ما کمک نکرد. ما بیشتر از ۴ میلیون تومان پول رفت و آمد دادیم. آنقدر هزینه کردیم که دیدیم پولی برای خانواده‌مان نمی‌ماند. بعد تصمیم گرفتم روی بازی و متن تمرکز کنم چون دیگر پولی نداشتم. خیلی خوب شد سمت فرم نرفتم و راضی هستم. چون من از کارهای

روشنفکری زیاد خوشم نمی‌آید و در نهایت قرار است تنها چهارتا منتقد بگویند خیلی خوب بود. من حرف طبقه محرومی را زدم که صدایی ندارد. دیگر دوره این نیست که در لاف‌ها حرف بزنیم و همه چیز را در فرم پنهان کنیم و باید دردها و حرف‌ها را مستقیم بگوییم. به نظرم شکاف طبقاتی گسترش یافته است. چندان کاراکتر داریم که همه عاقبت شومی دارند ولی من به همین بسنده نکردم و در آخر نمایش شاهد زلزله بودیم. برادر بزرگ‌ترم به من مشاوره می‌دهد و وقتی متن را خواند، گفت از کار دو سال پیش بهتر است. آن کار قبلی در بخش بین‌الملل جشنواره تئاتر فجر جایزه گرفت. برادرم گفت ذهن تو خیلی تلخ و سیاه شده است. بعضی از تماشاگران هم سؤال‌هایی از من کردند. من در پایان نمایش در جشنواره به مخاطبان گفتم که واقعاً نمی‌دانم کار تئاتر کردن در وضعیت سخت اقتصادی خوب است یا نه! اظرفایان من به تئاتر علاقه ندارند و همیشه می‌گویند که شما آدم‌هایی الکی خوش هستید. تئاتر باید مردمی بشود و از زندگی مردم بگوید. باید تئاتر‌هایی باشند که نماینده قشر آسیب‌پذیر و ضعیف‌اند و تئاتر باید نسبت مستقیمی با مردم و اجتماع داشته باشد و نباید از مردم جدا باشد. تئاتر هم این‌گونه است. ما باید به مردم ضعیف نزدیک بشویم.

وضعیت تئاتر این روزهای ایران را چگونه می‌بینید؟

من هیچ وقت گول تعریف‌های دوستان را نمی‌خورم. تئاتر‌هایی که این روزها مشهور شده‌اند بر اساس تبلیغات و رسانه است. ۶ سال پیش این‌گونه نبود. من اوایل دهه هشتاد وارد دانشگاه شدم و از همه هنرمندان جوان مطرح این روزها جوایز بیشتری گرفتم. آن موقع